

## تعقیبان:

### دو پی‌نوشته:

### حقوق حیوان:

### حقوق حیوانات:

مسأله حقوق حیوانات و احترامها التي ذكرها د. ساغان بل وحتى كونها يمكن أن تدرك الدين بقدر ما وبالتالي فهي أهل للتبشير الديني بقدرها، فهذا يقره الدين الإسلامي والقرآن وعلى الأقل يمكن أن نقول مذهب آل محمد (عليهم السلام) ونحن لدينا في القرآن والسنة عن النبي والأئمة (عليهم السلام) أن الحيوانات أمم مثلنا ويجب احترامهم ﴿ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَّمٌ أُمَّتُكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴾ (الأنعام: ٣٨).

مسئله حقوق حیوانات و احترام نهادن به آنها که دکتر ساگان مطرح کرده است، و حتی این موضوع که حیوانات می‌توانند تا حدودی دین را بفهمند و به این ترتیب به اندازه توان خود، برای پند و موعظه دینی شایستگی دارند، مقوله‌ای است که دین اسلام و قرآن یا حداقل مذهب آل محمد (عليهم السلام) بر آن مهر تأیید می‌زند. ما در قرآن و سنت پیامبر و ائمه (عليهم السلام) داریم که حیوانات، امتهایی همانند ما هستند و باید به آنها احترام گذاشت: ﴿ نیست جنبدهای در زمین و نه پرندهای پروازکننده با بالهای خود جز ملت‌هائی همانند شما فروگذار نکردیم در کتاب از چیزی سپس بسوی پروردگارشان گردآورده شوند ﴾ (الأنعام: ٣٨).

وَأَلَّ مُحَمَّدٌ (عليهم السلام) بَيْنَنَا أَنْ الشَّخْصَ الَّذِي يَرْبِي وَيُحْسِنُ إِلَى خُرُوفٍ يَكْرَهُ لَهُ أَنْ يَقُومَ بِذَبْحِهِ؛ لِأَنَّ هَذَا الْخُرُوفَ قَدْ اعْتَادَ مِنْ هَذَا الشَّخْصِ الْإِحْسَانَ إِلَيْهِ، وَهَذَا دَلِيلٌ عَلَى أَنَّ الْإِسْلَامَ الْحَقِيقِيَّ الَّذِي نَقَلَهُ أَهْلُ الْبَيْتِ (عليهم السلام) يُعْتَبَرُ أَنَّ لَدَى الْخُرُوفِ مَشَاعِرَ وَأَحْسَاسِيَّ يُفْتَرَضُ احْتِرَامُهَا [عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام)]، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: كَانَ عِنْدِي كَبِشٌ سَمَّنْتُهُ لِأُضْحِيَ بِهِ، فَلَمَّا أَخَذْتُهُ وَأَضَجَعْتُهُ نَظَرَ إِلَيَّ فَرَحِمْتُهُ وَرَقَقْتُ لَهُ، ثُمَّ إِنِّي ذَبَحْتُهُ، قَالَ: فَقَالَ: مَا كُنْتُ أَحِبُّ لَكَ أَنْ تَفْعَلَ لَا تُرَبِّينَ شَيْئاً مِنْ هَذَا ثُمَّ تَذْبَحُهُ [١].

١. المصدر (الحر العاملي - وسائل الشيعة): ج 24 ص 92.

آل محمد (عليهم السلام) بیان کرده‌اند که اگر شخصی گوسفندی را پرورش دهد و به او نیکی کند، کراهت دارد خودش آن را ذبح نماید؛ چرا که گوسفند عادت کرده است که از این فرد نیکی ببیند، و این خود دلیلی است بر اینکه اسلام واقعی که اهل بیت (عليهم السلام) آن را نقل نموده‌اند، گوسفند را دارای شعور و احساس، و احترام به آن را واجب می‌داند. [محمد بن حسن با سند خود از محمد بن حسن صفار از یعقوب بن زید از یحیی بن مبارک از عبد الله بن جبلة از محمد بن فضیل نقل کرده است که گفت: به امام رضا (عليه السلام) عرض کردم: "من برای قربانی روز عید قربان، قوچی را پرورش دادم. چون او را گرفتم و خوابانیدم تا ذبح کنم، نگاهی به من کرد، دلم برایش سوخت و با آن مدارا کردم، سپس سرش را بریدم." حضرت فرمود: "دوست ندارم چنین کنی. این گونه نباشد که حیوانی را پرورش دهی، سپس ذبحش کنی" [١].

١. منبع: شیخ حر عاملی، وسائل الشيعة، ج ٢٤، ص ٩٢.

أَمَّا التَّبْلِيغُ الدِّينِيَّ فَعَلَى مَسْتَوَى الْأَنْبِيَاءِ (عليهم السلام) وَالْأَوْصِيَاءِ مِنَ الْمُؤَكَّدِ أَنَّ كَثِيراً مِنَ الْحَيَوَانَاتِ سَمِعَتْ دَعَوَاتِهِمْ، وَفِي الْقُرْآنِ لَدِينَا قِصَصٌ لِحَيَوَانَاتٍ سَمِعَتْ بِدَعَوَاتِ الْأَنْبِيَاءِ كَالْهَدْيِ وَالنَّمْلَةِ فِي قِصَّةِ سُلَيْمَانَ (عليه السلام).

در خصوص تبلیغ دینی صورت‌گرفته توسط پیامبران (علیهم السلام) و اوصیا، باید گفت: یقیناً بسیاری از حیوانات، دعوت آنها را شنیده‌اند. در قرآن داستان‌هایی از حیوانات که پیام پیامبران را شنیده‌اند، وجود دارد، مانند هدهد و مورچه در ماجرای حضرت سلیمان (علیه السلام).

\*\*\*\*\*

**علی و فاطمة وصغارهم یفسدون مخطط الجينة الانانية فهل من متدبر؟**

**علی و فاطمه و کودکان‌شان نقشه‌ء ژن خودخواه را نقش‌برآب می‌کنند، آیا کسی نیست که بیندیشد؟**

قول د. دوکنز:

«فلنحاول فهم ما تخطط له جيناتنا الانانية، لأننا قد نحظى عندئذ أقله بفرصة لإفساد مخططاتها، وهو أمر لم يسع إليه أي من الكائنات الأخرى»(2).

2. المصدر (ريتشارد دوكنز - الجينة الانانية): ص 13.

دکتر داوکینز می‌گوید:

«بگذارید بفهمیم ژن‌های خودخواه ما چه می‌کنند، زیرا در آن صورت است که لااقل این امکان بوجود می‌آید که برنامه‌هایشان را به‌هم بریزیم و طرحی نو دراندازیم؛ طرحی که تاکنون هیچ موجود دیگری در پی آن نبوده است»(2).

2. منبع: ریچارد داوکینز، ژن خودخواه، ص ۱۳.

والحق، إنَّ المنصف لابد له أن يقول إننا كنوع إنساني فعلاً أفسدنا أنانية الجينات فالأخلاق العليا أو الإيثار الحقيقي الذي نشره أنبياء الله ورسله وجاءت به الأديان الإلهية قد حطَّ هذه الأنانية، فهذه الأنانية الجينية تقول: ابني أفضل من ابن أخي، وأخي أفضل من ابن عمي، وابن عمي أفضل من الغريب، وابن مدينتي أفضل من ابن المدينة الأخرى، وابن بلدي أفضل من ابن البلد الآخر، وابن قوميتي أفضل من ابن القومية الأخرى، وبلدي أفضل من البلد المجاور، أما الأنبياء والأديان فقد جاءت بالإحسان وإيثار الغريب على النفس والأولاد، وانتشرت هذه الأخلاق الإيثارية بين الناس، ولن أتعرض لغير قصة تاريخية مشهورة في الإسلام وقد نزل بها قرآن وهي قصة أصحاب رسالة الإسلام أنفسهم وهم عائلة محمد (صلى الله عليه وآله) نبي الإسلام، هي قصة بقاء علي وفاطمة بنت محمد (صلى الله عليه وآله) وأبنائهم الصغار جياً بعد أن قاموا بإعطاء طعامهم للفقراء ﴿ وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا \* إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا ﴾ (الإنسان: ٨-٩) .

در حقیقت فرد با انصاف باید بگوید ما به عنوان گونه‌ی انسانی، در عمل، خودپرستی زنها را نابود ساختیم؛ زیرا اخلاق والا یا ایثارگری واقعی که انبیاء و پیامبران الهی مروج آن بوده و ادیان الهی به آن توصیه کرده‌اند، این خودخواهی را در هم کوبیده است. این خودخواهی زنتیکی می‌گوید: پسر برتر از پسر برادرم است، برادرم برتر از پسر عمویم است، پسر عمویم برتر از افراد غریب است، همشهریم برتر از اهالی شهرهای دیگر است، مردم کشورم برتر از مردم دیگر کشورها هستند، مردم طایفه‌ام از طوایف دیگر بهترند، و کشورم بالاتر از کشورهای مجاور است. اما پیامبران و ادیان به نیکی‌کردن به افراد غریب و ترجیح دادن آنها بر خود و فرزندان توصیه کرده‌اند و این رفتار ایثارگرایانه را بین مردم رواج داده‌اند. من فقط به ذکر یک داستان تاریخی مشهور در اسلام که قرآن نیز از آن سخن گفته است

بسندہ می‌کنم؛ ماجرای اصحاب رسالت اسلام یعنی خاندان حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) پیامبر اسلام؛ داستان گرسنه ماندن علی و فاطمه دختر محمد (صلی الله علیه وآله) و فرزندان خردسالشان پس از آنکه غذای خود را به فقرا بخشیدند ❀ و خوراند خوراک را با دوست داشتنش به بینوائی و یتیمی و بردہای \* جز این نیست کہ می‌خورانیم شما را برای روی خدا نخواهیم از شما پاداشی و نہ سپاسی ❀ (الإنسان: ۸-۹) .

سورة الإنسان وهي تروي قصة الإنسان الحقيقي الذي انتصر على حيوانيته وجاء لينقذ الآخرين من حيوانيتهم الجينية الأنانية، لم يطلبوا بهذا الايثار سمعة لأنه كان بالسر وهم أصلاً كتموه ولم يذيعوه، ولم يطلبوا به منفعة متبادلة فهم أعطوا ولم يأخذوا شيئاً، ولم يكن عطاؤهم يسيراً لأنه كان بالنسبة لعلی وفاطمة (عليهما السلام) مخاطرة بحياة أطفالهم.

سوره انسان، روایت‌کننده داستان انسان حقیقی است که بر حیوانیت خویش پیروز شد و آمد تا دیگران را از حیوانیت و خودخواهی ژنتیکی‌شان رهایی بخشد. آنها با این ایثار به دنبال شهرت و معروفیت نبودند، زیرا این کار به صورت مخفیانه صورت پذیرفت و خود نیز آن را پنهان نمودند و بر کسی فاش نساختند. آنها با انجام این کار به دنبال منفعت و سود متقابل نیز نبودند، زیرا بخشیدند و چیزی نگرفتند، و بخشش آنها نیز کوچک و ناچیز نبود، چرا که حضرت علی و فاطمه (علیهما السلام) با این کار جان فرزندان کوچک خویش را به خطر انداختند.

بفضل هؤلاء وأشباههم من أنبياء الله ورسله لدينا اليوم أفراد ومجموعات وحتى دول يؤثرون الآخرين الغرباء عنهم وإن كان بالقليل الذي لا يؤثر في حالهم وربما هناك غايات من وراء العطاء في بعض الأحيان، ولكنها عموماً

خطوة بالاتجاه الصحيح وصلنا لها بفضل أولئك العظماء، فهم الأمثلة الإيثارية العليا التي تعلمت منها البشرية.

به لطف این بزرگان و مانند آنان از پیامبران و فرستادگان الهی، امروزه افراد، گروهها و حتی کشورهای داریم که دیگران را بر خویش ترجیح میدهند، هرچند ممکن است تعداد افرادی که بر خود مقدم می‌شمارند، اندک‌شمار باشد و بر وضعیت آنها نیز تأثیری بر جای نگذارد و چه بسا بعضاً در پس این بخشش اهدافی نهفته باشد؛ ولی به طور کلی این حرکت، گامی در مسیر صحیح است که ما به فضل این بزرگان به آن رسیده‌ایم. آنها نمونه‌های برتر ایثار هستند که بشریت از آنها درس می‌آموزد.

نحن اليوم نمتلك انتصارات حقيقية على الأناية الجينية ولكنها جميعاً تستند إلى جهود أولئك العظماء أنبياء الله ورسله الذين ضربوا المثل الأعلى في الإيثار الحقيقي لينقذوا الإنسانية من حيوانيتها.

امروزه ما در برابر خودخواهی ژنتیکی به پیروزی‌هایی حقیقی دست یافته‌ایم ولی همهء اینها مرهون تلاش پیامبران و فرستادگان بزرگ الهی است، که نمونهء برتر ایثارگری واقعی می‌باشند؛ تا جوامع انسانی را از حیوانیتشان رهایی بخشد.

أعتقد أنّ فعل علي وفاطمة (عليهما السلام) يستحق من عالم علم الأحياء التطوري أو علم الأحياء الاجتماعي الملحد أن يراجع حساباته على الأقل وهو يراهم قد شخصوا داء الأناية الجينية ووضعوا له العلاج قبل أن يشخصه علماء علم الأحياء التطوري بأكثر من ألف عام.

به اعتقاد من کار علی و فاطمه (علیہما السلام) آن قدر ارزشمند است که یک زیست‌شناس تکاملی یا زیست‌شناس اجتماعی ملحد لازم است حداقل با

توجه به آن، محاسبات خود را مجدداً بررسی کند؛ زیرا وی می‌بیند که این بزرگان بیش از یک‌هزار سال پیش از زیست‌شناسان تکاملی، بیماری خودپرستی ژنتیکی را تشخیص دادند و برای آن راه درمانی وضع نمودند.

[عن ابن عباس، قال: في قوله تعالى "يوفون بالذر ويخافون يوماً كان شره مستطيراً" ويطعمون الطعام على حبه مسكيناً ويتيمماً وأسيراً" قال: مرض الحسن والحسين فعادهما جدهما رسول الله صلى الله عليه وسلم وعادهما عامة العرب فقالوا: يا أبا الحسن لو نذرت على ولدك نذراً، فقال علي: إن براء مما بهما صمت لله عزوجل ثلاثة أيام شكراً، وقالت فاطمة كذلك، وقالت جارية يقال لها فضة نوبية: إن براء سيدي صمت لله عزوجل شكراً، فألبس الغلامان العافية وليس عند آل محمد قليل ولا كثير فانطلق علي إلى شمعون الخيبري فاستقرض منه ثلاثة أصوع من شعير فجاء بها فوضعها، فقامت فاطمة إلى صاع فطحنته واختبزته وصلى علي مع رسول الله صلى الله عليه وسلم ثم أتى المنزل فوضع الطعام بين يديه إذ أتاهم مسكين فوقف بالباب فقال: السلام عليكم أهل بيت محمد مسكين من أولاد المسلمين أطعموني أطعمكم الله عزوجل على موائد الجنة، فسمعه علي فأمرهم فأعطوه الطعام ومكثوا يومهم وليلتهم لم يذوقوا إلا الماء، فلما كان اليوم الثاني قامت فاطمة إلى صاع وخبزته وصلى علي مع النبي صلى الله عليه وسلم ووضع الطعام بين يديه إذ أتاهم يتيم فوقف بالباب وقال: السلام عليكم أهل بيت محمد يتيم بالباب من أولاد المهاجرين استشهد والدي أطعموني فأعطوه الطعام فمكثوا يومين لم يذوقوا إلا الماء، فلما كان اليوم الثالث قامت فاطمة إلى الصاع الباقي فطحنته واختبزته فصلى علي مع النبي صلى الله عليه وسلم ووضع الطعام بين يديه إذ أتاهم أسير فوقف بالباب وقال: السلام عليكم أهل بيت النبوة تأسرونا وتشدوننا ولا تطعموننا أطعموني فإني أسير فأعطوه ومكثوا ثلاثة أيام ولياليها لم يذوقوا إلا الماء، فأتاهم رسول الله صلى الله عليه وسلم فرأى ما بهم من الجوع، فأنزل الله تعالى: "هل أتى على الإنسان حين من الدهر"، إلى قوله: "لا نريد منكم جزاء ولا شكوراً" [1].

1. المصدر (ابن الأثير - أسد الغابة): ج 5 ص 530 - 531. وهذه الحادثة التاريخية يرويها بأكثر من طريق السنة والشيعه، فقد رواها مثلاً الحاكم الحسكاني في شواهد التنزيل، والبيضاوي، وأبو السعود، وفخر الدين الرازي في تفاسيرهم، ورواها مجمله علي ابن ابراهيم في تفسيره: ج 2 ص 398، ورواها الشيخ الصدوق في أماليه: ص 257 .

[ابن عباس در مورد سخن خداوند متعال که فرمود: (به نذر وفا می‌کنند و از روزی که شر آن همه جا را گرفته است می‌ترسند \* و طعام را در حالی که خود دوستش دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می‌خورانند) گفته است: حسن و حسین بیمار شدند و جدشان پیامبر خدا (ص) و عده‌ای از اعراب، به عیادت آنها رفتند و گفتند: ای ابالحسن اگر برای دو فرزندت نذری کنی، خوب است. علی فرمود: اگر دو فرزندم از بیماری خوب شدند، برای خداوند عزوجل سه روز را به شکرانه روزه می‌گیرم. فاطمه نیز چنین گفت و کنیزی که به او فضه نوبیه می‌گفتند، نیز اظهار داشت: اگر دو سرورم از بیماری رها شوند، به شکران برای خداوند عزوجل روزه می‌گیرم. این دو کودک لباس عافیت پوشیدند. آل محمد هیچ چیز - نه کم و نه زیاد - نداشتند. علی به سراغ شمعون یهودی رفت و سه صاع جو از او قرض کرد و به فاطمه داد. فاطمه یک صاع را آرد نمود و نان پخت. علی با پیامبر خدا (ص) نماز خواند و به منزل آمد، غذا را جلوی او گذاشتند؛ که ناگاه مسکینی پشت در آمد و گفت: سلام علیکم، ای اهل بیت محمد، من مسکینی از مسلمانان هستم، مرا اطعام کنید، خداوند شما را از مائده‌های بهشتی اطعام نماید. علی شنید و آنان را امر فرمود و ایشان غذا را به او خوراندند. آن روز و آن شب را فقط آب خوردند. روز دوم فاطمه به سراغ صاع دیگر آرد رفت و نان پخت. علی با پیامبر خدا (ص) نماز خواند و به منزل آمد، غذا را جلوی او گذاشتند که ناگاه یتیمی پشت در آمد و گفت: سلام علیکم، ای اهل بیت محمد، من یتیمی از فرزندان مهاجرین هستم که پدرم شهید شده است، مرا اطعام کنید. غذا را به او دادند و دو روز چیزی جز آب نخوردند. روز سوم فاطمه به سراغ باقی صاع جو رفت و آن را آرد کرد و نان پخت. علی با پیامبر خدا (ص) نماز خواند و به منزل آمد، غذا را جلوی او گذاشتند، که ناگاه اسیری آمد و پشت در ایستاد و گفت: سلام علیکم، ای اهل بیت نبوت، ما را به اسارت می‌گیرید



و می‌بندید و به ما طعام نمی‌دهید! مرا اطعام کنید که من اسیرم. غذا را به او دادند و سه روز و سه شب فقط آب خوردند. پیامبر خدا (ص) به سراغ آنان آمد و گرسنگی‌شان را ملاحظه نمود. خداوند چنین نازل فرمود: "هر آینه بر انسان مدتی از زمان گذشت و او چیزی در خور نکر نبود" تا "از شما نه پاداشی می‌خواهیم نه سپاسی" [1].

1. منبع: ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۵، ص ۵۳۰ و ۵۳۱. این یک رویداد تاریخی است که هم از طریق سنی روایت شده و هم از طریق شیعه. به عنوان مثال حاکم حسکانی در شواهد التنزیل و نیز بیضاوی، ابوالسعود و فخرالدین رازی در تفاسیر خود آن را روایت کرده‌اند. علی بن ابراهیم این ماجرا را به اجمال در تفسیر خود نقل کرده است. شیخ صدوق نیز در کتاب اُمالی به آن اشارت نموده است.

\*\*\*\*\*